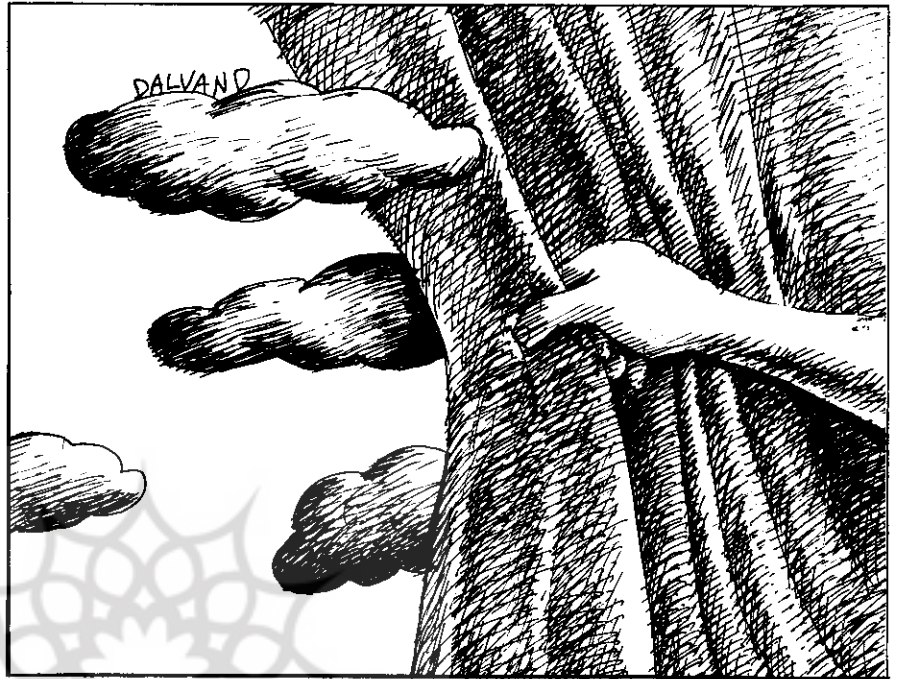


توسعه پایدار

دکتر حسینعلی بهرامزاده



حکیده

در سالهای پس از جنگ دوم و در فضای ناشی از ظهور نظامهای کمونیستی در جهان و اوج گیری مبارزات استقلال طلبانه ملل جهان سوم، نظریه پردازان آمریکایی، رهیافت «نوسازی» را مطرح کردند که عبارت بود از فرایندی یگانه، مترقی، یک سویه، مرحله بندی شده برگشت ناپذیر که به سوی الگوی مطلوب (جامعه آمریکا) در حرکت است. مکتب «وابستگی» از دل نقد مکتب «نوسازی» کلاسیک و نو و به عنوان صدایی از «پیرامون» متولد شد. در مقابل نوسازی که دلایل عقب ماندگی را «درونی» معرفی می کرد، مکتب وابستگی این دلایل را «بیرونی» دانست. این رهیافت نیز در پی تجارب ناموفق و اثبات ناکارآمدیها در پاسخ به نقدهای متنوع به تجدیدنظرهای وسیعی تن داد و به این ترتیب مکتب «وابستگی نو» به وجود آمد. رهیافت «مارکسیسم کلاسیک» با مدنظر قرار دادن فرضیه «تکامل» حتی برخی از جنبه های استعمار را مثبت تلقی می کرد. «نومارکسیست ها» با نقد بخشی از میراث مارکسیسم، سعی کردند که با توجه به واقعیتها قرائتی روزآمد از این اندیشه عرضه کنند.

بنابراین، مکتب نوسازی، وابستگی و مارکسیسم عمده ترین رهیافتهای توسعه در جهان سوم بوده اند. در این مکتبها اغلب با نگاهی اقتصادی به فرایند توسعه، فرهنگ و سیاست عملاً مورد غفلت قرار گرفته بود. در این نظریه پردازان همچنین فراموش شده بزرگ، انسان بود، حال آنکه توسعه به نام او آغاز شده بود.

در حال حاضر، مفروضات کهن در برابر تجارب کشورهای و نیز ظهور تحولات فکری و اجتماعی جدید رنگ باخته اند. «توسعه پایدار» در جهان متحول کنونی، با نگاهی به قرن بیست و یکم تولد یافته. و در این مناظره اقتصاد، سیاست، فرهنگ، محیط زیست، امنیت، آموزش، بهداشت، اخلاق و غیره در کنار هم مورد توجه قرار گرفته اند.

«توسعه پایدار» انسان محور است و با توجه به گستردگی مباحث و قابلیتهای بسیار آن به سرعت به مهمترین مناظره کنونی و نیز یکی از مهمترین چالشهای قرن بیست و یکم تبدیل شده است.

توسعه پایدار گستره نوینی است که در واپسین سالهای قرن بیستم فراراه بشر گشوده شد و از آن رو که انسان را محور و بقای عزتمند

او را هدف قرار داده بود، به زودی فراگیر شد و بر دلها نشست.

در گذشته، انسانها، شاید به غریزه، دریافتند که رمز بقای آنها در گرو هماهنگی با طبیعت است و آموخته بودند که زوال طبیعت زوال آنهاست. لیکن در یکی دو قرن اخیر، با اوج گیری توانیهای ابزاری بشر، تعادل زیست محیطی قرون گذشته به زیان طبیعت برهم خورد. لطمات وارده بر طبیعت در این دوران ابعاد گسترده و غیر قابل جبرانی یافت و در ربع آخر قرن بیستم به یک معنا از مرز فاجعه نیز گذشت.

جهان سوم که قرار بود در نتیجه «مراحل توسعه» به رشد، رفاه و آزادی نائل شود، آشفته تر از پیش، گرفتار فقر، نابرابری، بی عدالتی و عقب ماندگی شد و اوضاع به مراتب شکننده تر و نابسامان تر از گذشته شد.

توسعه پایدار عرصه نوینی است که همزمان هم سیاست و فرهنگ را مورد توجه قرار می دهد و هم بر رونق اقتصاد و تجارت و صنعت تاکید می ورزد. هم از محیط زیست و همزیستی با طبیعت حمایت می کند و هم از حقوق برابر انسانها، هم به مسائل داخلی کشورها می پردازد و هم به مسائل بین المللی. واقعیت این است که پایداری در عصر جدید تبدیل به معیار شده است. زبان جدیدی در گستره این مناظره در حال تولد است که ظرفیتهای توانمندیها و راهکارهای متفاوتی را عرضه می کند. زبانی که از ضروری ترین نیازهای بشر منشأ گرفته است.

توسعه پایدار

توسعه پایدار فرایندی تصور می شد که طی آن جوامع مختلف از شرایط اولیه عقب ماندگی و توسعه نیافتگی با عبور از مراحل تکاملی کم و بیش یکسان و تحمل دگرگونیهای کیفی و کمی به جوامع توسعه یافته تبدیل خواهند شد. این تلقی ایدئولوژیک از توسعه، در پر تو نقدهای متنوع و بسیار در دهه ۱۹۷۰ و به خصوص در سالهای دهه ۱۹۸۰ به بن بست رسید.

چند دهه از آغاز تلاشهای بین المللی برای توسعه گذشته بود، بدون آنکه دگرگونی بنیادی ای در زندگی مردم جهان پدید آید. نیونی (NYONI) پژوهشگر برجسته آفریقایی نوشت: «نتایج غلط به دست آمده، ریشه در

پیش در جهان فراگیر می شود. در چشم انداز زیست محیطی آنگونه که «مان» مطرح کرد، توسعه تنها زمانی پایدار است که بر شالوده اصول بوم شناسی استوار باشد. (MUNN, 1993:70)

توسعه پایدار، در آخرین سالهای هزاره دوم با محور قرار دادن انسان و با نگاهی به آینده در مورد استفاده از تمامی ظرفیتهایی است که جداگانه یا در تعامل با عوامل دیگر، تداوم زندگی نسلها را تضمین کند و این مهم تحصیل نخواهد شد مگر در پرتو بقای محیط زیست. راز همه این اصرارها نیز در همین نکته نهفته است.

فرهنگ: در گذشته مراد از توسعه عبارت بود از تلاش برای «غربی کردن» تمام جهان و با تظاهر بر بی طرفی فرهنگی و سیاسی و در واقع تحت مفروضات جانبدارانه ایدئولوژیک، غرب به عنوان «کمال مطلوب» معرفی می شود. توسعه به این ترتیب ابزاری بود برای کشورهای غربی بهره مند از تکنولوژی پیشرفته تا فرهنگ و خودگردانی ملتها و مردم دیگر را تحقیر و نابود کنند.

در سالهای اخیر در پرتو نقدهای مختلف، همراه با تعمیق و بسط آگاهی پیرامون ناکارآمدیهای مفروضات و نظریه های گذشته و به ویژه با اثبات این نکته که اقتصاد به تنهایی نمی تواند برنامه ای برای رفاه و متناسب با منزلت انسان عرضه کند، فرهنگ اهمیت و جایگاه واقعی خود در مناظره توسعه به دست آورد.

در سالهای دهه ۱۹۸۰، ضرورت توجه به فرهنگ در نظریه پردازی پیرامون پایداری آشکارتر و در سالیهای ۱۹۹۰ اهمیت آن غیر قابل انکار شد. به این ترتیب، در مطالعات و تحلیلها در کنار مؤلفه های اقتصاد محیط زیست و مسائل اجتماعی، فرهنگ نیز مورد تاکید قرار گرفت. در این سالها در بسیاری از پژوهشها و نظریه پردازیها از مبنای چهارگانه توسعه پایدار یاد می شد.

بدیهی است که با پذیرش فرهنگ به عنوان یک رکن اصلی توسعه و پایداری، راه برای ورود دیگر مؤلفه های معنوی و غیرمادی گشوده می شد، زیرا براساس تعاریف مورد توافق جداسازی فرهنگ از ارزشها متصور نخواهد بود و در عرصه معیارهای ارزشی، داوری و به ویژه داوری اخلاقی اجتناب ناپذیر است. به این

توسعه پایدار در جهان متحول کنونی با نگاهی به قرن بیست و یکم متولد شده است.

مردان غذا می خورند و کمتر بسنه امکانات بهداشتی دسترسی دارند. سطح سواد و تعلیم و تربیت در زنان پایین تر از مردان است. در حالی که مسئله تعلیم و تربیت فرزندان خود را از بدو تولد برعهده دارند. زنان در برابر کار مساوی مزد کمتری می گیرند. آنان ساعات بیشتری را در طول روز با مزد و بدون مزد کار می کنند. زنان بیشتر در معرض خشونت و ناپایداری و تبعیضهای بسیار قرار دارند.

دنیای آینده نمی تواند بر مبنای این نابرابریهای اسف بار تداوم پیدا کند. توجه به محرومیت مضاعف زنان و نیازمندیهای حیاتی کودکان و جوانان مسلماً از اهمیت نقش مردان کم نخواهد کرد. فعالان عرصه های مختلف توسعه پایدار بر آنند که با زدودن محرومیت و تبعیض از چهره جهان، دنیای آینده به محیطی برزنده برای زندگی توأم با آزادی، صلح یا آرامش، برابری برای همه انسانها تبدیل شود. سخن این است که با زدودن این زنگارها و تلاشی هماهنگ و همگانی جهان بیش از گذشته شایسته خواهد شد.

محیط زیست: واقعیت این است که توجه به محیط زیست و طبیعت در دوران ما تبدیل به معیار شده است، معیاری که هر روز بیش از

مبانی و مفروضات و سیاستگذاریهای نادرست دارند و این نکته ای بود که به ویژه در دهه ۱۹۸۰ توجه پژوهشگران بسیاری بر آن متمرکز شده بود. برخی از اندیشمندان، فراتر از آن، حتی از شکست پروژه توسعه سخن به میان آوردند.

توسعه روندی بود که به رغم امیدهایی که در دهه های گذشته به آن گره خورده بود، جز افزایش فقر و نابرابری ثمری برای کشورهای جهان سوم دربرنداشت. بنابراین، توسعه پایدار در واقع راه حلی بود برای معمای توسعه در شرایط متحول سالهای پایانی قرن بیستم. (ARNOLD, 1993)

مؤلفه های توسعه پایدار

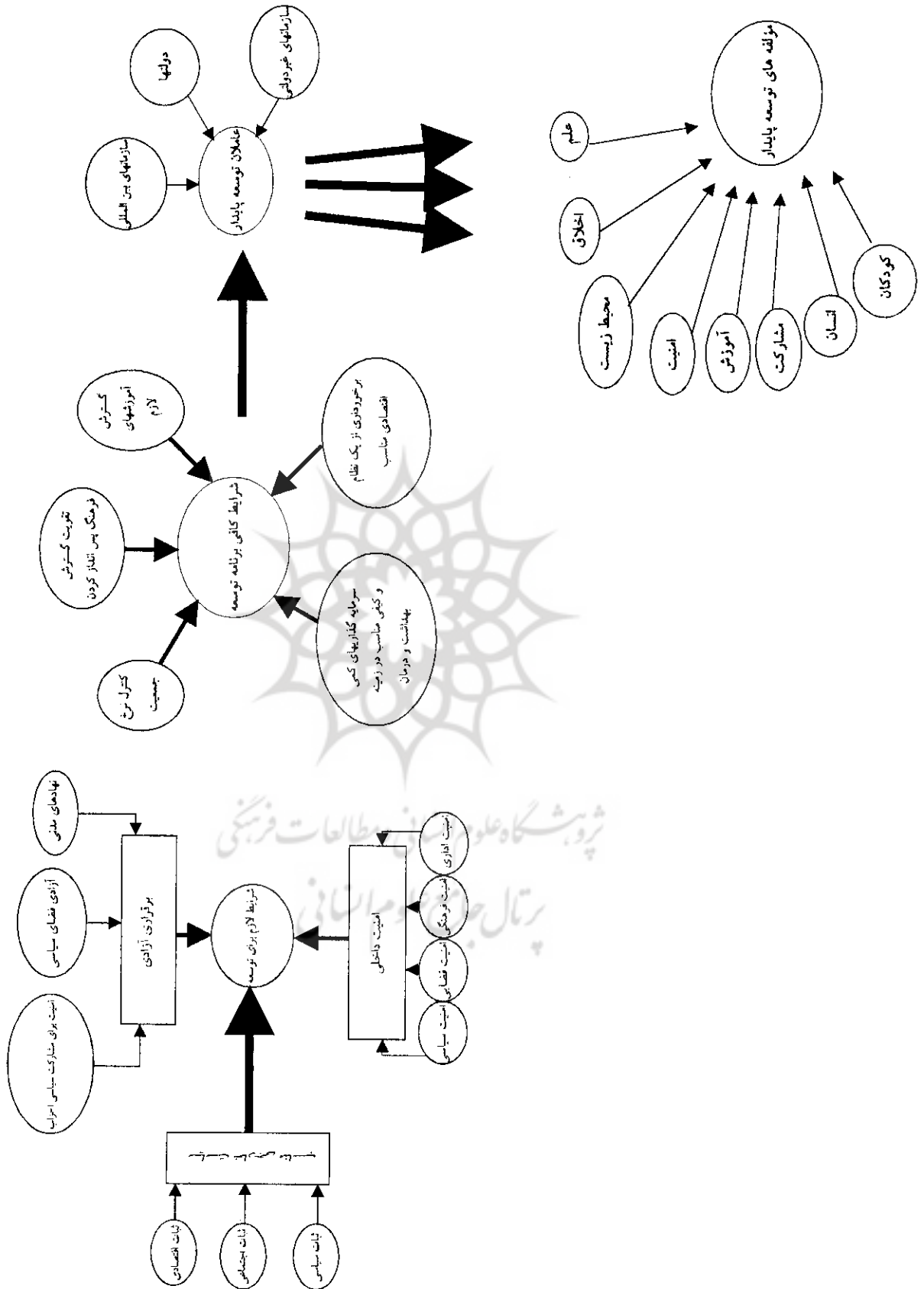
انسان: «توسعه پایدار»، انسان محور است و باتوجه به گستردگی مباحث و قابلیت های بسیار آن به سرعت به مهمترین مناظره کنونی و نیز یکی از مهمترین چالشهای قرن بیست و یکم تبدیل شده است. در پایان هزاره سوم میلادی روند رشد و توسعه در چارچوب پایداری احیا شد. در توسعه پایدار، انسان، محور توسعه و مستحق بهداشت، زندگی سازنده و در هماهنگی با طبیعت معرفی می شود و این مفهوم، دقیقاً، در نخستین اصل «اعلامیه ریو» انعکاس پیدا کرده است. (شکل شماره یک)

کودکان و جوانان: «کمسیون برانت لند» توسعه پایدار را به عنوان «توسعه ای که حوایج کنونی را تأمین می کند بدون آنکه توانایی نسل آینده برای برآوردن نیازهای خود را به مخاطره افکند» تعریف کرد. پایداری برای کودکان و نوجوانان و جوانان مسئله ای واقعی است. نظریه پردازان توسعه پایدار، به دلیل داعیه های خود در مورد انسان در قرن بیستم و یکم، با نگاهی به آینده بر حقوق کودکان و نقش آفرینی جوانان تاکید بسیار داشته، تحرک و خلاقیت های مردم در سراسر جهان و مشارکت آنان در تمامی سطوح توسعه را ضرورتی اجتناب ناپذیر در هر برنامه می دانند.

زنان: زنان در جهان و به ویژه در کشورهای در حال توسعه از نابرابریهای بسیار در رنجند در حالی که توسعه بدون مشارکت فعال آنان به سرانجام نخواهد رسید، مسئله دفاع از حقوق زنان را نیز مورد توجه قرار داده اند.

زنان به دلیل زادمان به تغذیه بیشتر و بهداشت بهتر نیازمندند. در حالی که کمتر از

شکل ۱ - مؤلفه های توسعه پایدار



ترتیب در مفهوم توسعه پایدار، در واقع نوعی داوری ارزشی مبتنی بر فرهنگ به رسمیت شناخته شد و مالا توسعه در قالب آن تعریف شد.

«زیگو» بر مبنای مطالعات خود نتیجه گرفت که «اصولاً این فرهنگ است که داوری کرده و به تجربه مردم در گذشته و حال معنا می بخشد».

کنفرانس عمومی یونسکو در سال ۱۹۹۱ با تصویب قطعنامه ای مدیر کل یونسکو را موظف کرد تا در هماهنگی با دبیر کل سازمان ملل کمیسیون مستقلی را برای بررسی ارتباط فرهنگ و توسعه ایجاد کند. در نوامبر سال ۱۹۹۲ «پطرس گالی» دبیر کل سابق سازمان ملل و «فدریکو مایور» مدیر کل سابق یونسکو در حیظه وظیفه محوله به یونسکو و در حقیقت در جهت اعتلای نقش فرهنگ در فرایند توسعه، «کمیسیون جهانی پیرامون فرهنگ و توسعه» را به ریاست «خاویر پرزدو کوئیار» دبیر کل پیشین سازمان ملل تشکیل دادند. «مایور» در سال ۱۹۹۳، این حرکت را تحت «ظرفیت سازی برای توسعه پایدار» مورد بحث قرار داد. (MOGOR 1993:20)

در واپسین سالهای قرن بیستم دیگر از بی توجهی گذشته نسبت به مؤلفه های فرهنگی خبری نیست و در پرتو نقادیهای بسیار، فرهنگ در جایگاه واقعی خود منزلتی غیر قابل انکار یافته و به ویژه در مناظره توسعه پایدار به عنوان یکی از ارکان اصلی و نیز گستره ای پویا به رسمیت شناخته شده است.

آموزش

در دوران، ما آموزش و پرورش به عنوان موثرترین ابزار جوامع برای ورود به چالشهای آینده مورد توافق قرار گرفته است و اصولاً پذیرفته شده است که در پرتو آموزش و پرورش امروز دنیای فردا شکل خواهد گرفت. تعلیم و تربیت مهمترین عامل موثر در دگرگونی طرزنگرش و رفتار بشری است که در مسیر رشد اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارت، تامین فرصتهای شغلی و افزایش تولید جامعه به کار گرفته می شود. از این رو در جوامع «منزلتی یگانه» یافته است. (UN.1992:93)

آموزش و پرورش پایدار به مفهوم وسیع خود در دهه های آینده این توانمندی را خواهد

میان بخصوص تحرک و تلاش یونسکو مثال زدنی است. این سازمان که از گذشته به اشکال مختلف در عرصه فرهنگ فعال بود به ویژه پس از آنکه در اجلاس کره زمین در «ریو» عهده دار وظایفی شد به سرعت به حرکت درآمد. «فدریکو مایور» مدیر کل سابق یونسکو در سال ۱۹۹۳ رسماً از تشکیل دو کمیسیون بین المللی یکی در زمینه فرهنگ و توسعه و دیگری در زمینه تعلیم و تربیت در قرن بیست و یکم خبر داد. (MAYOR, 1993:3)

این کمیسیون با مطالعه و بررسیهای همه جانبه مشکل را در ناکارآمدی روشها و کیفیت آموزش تشخیص داد و چاره را در آن یافت تا «شیوه های آموختن» در نخستین گام آموخته شود و آن را مبتنی بر چهار پایه تعریف کرد: ۱- یادگیری زندگی کردن باهم ۲- یادگیری دانستن ۳- یادگیری عمل کردن ۴- یادگیری بودن.

به هر طریق، بر اساس توصیه های این گزارش، «دموکراسی، مشارکت اجتماعی و فعالیتهای شهروندی از مدرسه آغاز و در فرایند مراحل تعلیم و تربیت و استمرار آن تحصیل می شود». (UNESCO 1998:35)

در مقاله ای به قلم یک عضو «اسلونیایی کمیسیون فوق» به نام «الکساندرا کرناووزر» آمده است. «آموزش و پرورش در ساخت توسعه پایدار انسانی چون سیمان عمل می کند!». این تشبیه اگر چه از زوایای مختلف ضعیف و ناکارآمد به نظر می رسد، لیکن در واقع مراد نشان دادن نقش این مؤلفه در قوام و دوام مفهوم توسعه پایدار است. او در این مقاله که مضمون آن در توصیه های کمیسیون و نیز در پاره ای مقالات دیگر نیز تایید شده آورده است، «توسعه باید بر تعهدی خوش بینانه برای زندگی بهتر همه مردم استوار باشد و در مسیر نیل به استانداردهای زندگی بهتر نباید وزن بسیار بیشتری به دارائیهای غیر مادی، همبستگی انسانها و محیط زیست داده شود» و این همه تحقق نخواهد یافت مگر با کسب بهتر دانش و فرهنگ. «کرناووزر» سرانجام به این نتیجه دست پیدا می کند که توسعه پایدار با درهم آمیختن کسب دانش با ارزشها، مالا حکمت را خلق خواهد کرد. (UNESCO. 1998:216-12)

در چشم انداز پایداری، مهمترین سرمایه کشورها سرمایه های انسانی است. بدیهی است

توسعه پایدار انسان محور است و به سرعت به مهمترین مناظره کنونی و نیز یکی از مهمترین چالشهای قرن بیست و یکم تبدیل شده است.

داشت، تا به مثابه ابزاری قابل اعتماد پل مستحکمی بین کلاس درس و اجتماع و بین کلاس درس و بازار بنا کند.

اهمیت آموزش و پرورش پایدار نه تنها در عرصه مطالعات که در عمل و نیز در عرصه نهادهای بین المللی مورد توافق جمعی قرار گرفته است. مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۷، با تأکیدی دوباره بر دستور کار ۲۱، پس از گذشت پنج سال از اجلاس ریو، با تصویب قطعنامه ای «نظام تعلیم و تربیت موثر و تخصیص منابع مالی متناسب برای همه سطوح تحصیلی به ویژه ابتدایی و متوسطه» را پس زمینه و اساس ضروری برای نیل به توسعه پایدار تعریف کرد و لزوم بازنگری و تصحیح جهت گیریهای تعلیم و تربیت در همه کشورها را مورد تأکید قرار داد. (UNESCO, 1997:21)

در خور توجه آنکه آموزش و پرورش نباید و نمی تواند صرفاً در تحصیلات رسمی خلاصه شود، بلکه هر نوع آموزش حتی اشکال سنتی یادگیری در منزل و اجتماع را نیز شامل می شود.

در عرصه آموزش و پرورش پایدار، سازمانها و نهادهای مختلفی در جهان به ویژه در سالهای اخیر به حرکت درآمده اند و در این

که بالندگی سرمایه های عظیم درگرو آموزش خواهدبود. آموزش و پرورش پلی است که از گذشته به حال و از حال به آینده می رسد، لذا برای رسیدن به آینده های پایدار درکی عمیق تر از اهمیت این موضوع و نگاهی دوباره بر نظام آموزش کشورها در نخستین گام ضرورت خواهد داشت.

علم

فرانسیس بیکن از پایه گذاران اندیشه مدرن حدود ۳۰۰ سال پیش به این اعتقاد رسید که با کار و علم و فناوری می توان «راه مخفی» به سوی بهشت را کشف کرد. با این چنین باورهایی بود که اسطوره مرکزی مدرنیته اروپایی طرحی برای «رستگاری» به دست می دهد. که در نهایت فاصله گذاری بین ماده و معنا را موجب شد و به تعبیر «میشل فوکو» «رستگاری» دنیوی شد.

در دنیای معاصر دانش به صورت روزافزونی به یک «کالای» بین المللی تبدیل شده و نهادهای بزرگ تحقیقاتی به «کارخانه های تولید دانش» مبدل شده اند. در پایان قرن بیستم به ویژه کمیت و کیفیت تولید و توزیع دانش در اداره جوامع مدرن اهمیتی غیر قابل انکار یافته است.

اطلاعات و دانش به طور عمده نزد ملت های صنعتی انبار شده قرن ها آن بخش که از صافی ها عبور می کند در سطح عموم به وسیله کتاب و فصلنامه و نظایر اینها منتشر می شود. خلاصه آنکه جهان سوم در این زمینه نیز خود را بر ملت های وابسته می یابد. (CARMEN, 1996:60-61)

تداوم شرایط کنونی و جهت دار بودن دانش سرانجام جهان را به «دنیای آگاه، دنیایی ناآگاه و دنیای اندیشمند، دنیای کارگر تقسیم خواهد کرد» و این در حالی است که بسیاری از متفکران و مغزهای کشورهای عقب مانده در تولید این دانش سهمی عمده داشته و دارند.

امروزه دانش که به صورتی نابرابر در جهان توزیع شده است. منبع اصلی قدرت و کنترل محسوب می شود. آگاهی یافتن از دانش و فرهنگ بومی در عرصه های مختلف از جمله محیط زیست، برای موفقیت ابتکارات مربوط به توسعه پایدار ضروری است و به ویژه باید دانست که هر تلاش برای رسیدن به پایداری، بدون مشارکت فعال مردم محلی به احتمال

قوی به سرانجام نخواهد رسید. (BROHMAN, 1996:315)

برخورد گزینشی با دانش و اطلاعات و اعمال کنترل بر آن عملاً زمینه های آگاهی و مشارکت را مسدود می کند و از طرفی بدون مشارکت آگاهانه مردم، توسعه پایدار میسر نخواهد بود.

با تأملی در این عرصه، ضرورت های نوینی خود می نمایانند که شایسته مطالعات وسیعتری هستند. «فدریکو مایور» به نام یونسکو، از «معرفت شناسی پایدار» سخن به میان آورد. او بر این اعتقاد است که علت عدم آمادگی و توفیق ما در مواجهه با چالش های آینده آن است که ما کماکان با ابزارهای گذشته کار می کنیم. به عبارتی، مسئله آن است که چالش های نو، ابزارهای نوین طلب می کند. (HOPKINS, 1996:53)

اخلاق

نگاه حاکم بر پروژه توسعه از آغاز نگاهی یک سویه و سطحی بود که بر بستر تعریفی مشخص از رشد اقتصادی قالب ریزی شده بود، لذا فضایی برای ظهور عناصر غیرمادی نظیر فرهنگ و معنویات و نظایر آنها باقی نمی ماند و به رغم تجدیدنظرهایی که در مفروضات توسعه صورت گرفت، به دلیل ریشه دوانیدن تعاریف اولیه، تلاشها حداقل در این عرصه چندان کار ساز نبودند.

«میشل فوکو» در سال ۱۹۸۳ در نقد مدرنیسم نوشته بود، «رستگاری مادی شده است و مسئله هدایت بشر به سوی مراتب روحانی و رستگاری در جهان دیگر مطرح نیست. بلکه رستگاری محتوای دنیوی پیدا کرده است».

توجه به عنصر اخلاق و معنویات در مطالعات توسعه پایدار در واپسین سال های هزاره دوم به ضرورتی غیر قابل انکار تبدیل شده است. با مروری بر پژوهشهایی که تحت این عنوان در این سالها صورت گرفته است و دامنه و تنوع آنها می توان تصور کرد که اهمیت این عوامل در آینده قابل پیش بینی همچنان جاذبه های زیادی در عرصه های نظری و عملی ایجاد کند.

حکیمی چینی در ۳۰۰۰ سال پیش گفته بود «اخلاق فقط زمانی در صحنه ظاهر می شود که مادیات و مسائلی عمیقاً غلط و نامتناسب با

شیوه زندگی مردم وجود داشته باشد». آیا به واقع ما در چنین زمانه بحرانی ای زندگی می کنیم؟ آیا ما در سرآغاز عصر جدیدی قرار گرفته ایم که توجه به معنویات جریانی پایدار خواهد بود یا به اعتبار حکیم چینی، تنها چرخه ناپایدار دیگری را شاهد هستیم؟

امنیت

در پرتو شرایط جدید جهانی بسیاری از نظریه پردازان به این نتیجه رسیدند که تصور سنتی از «امنیت» به هیچ وجه قادر به پاسخگویی به اوضاع متحول کنونی نیست. لذا تجدیدنظر در این مفهوم به منظور تطابق بیشتر با شرایط، به ضرورتی مورد توافق تبدیل شد. با مروری بر وقایع گذشته درمی یابیم که «از مجموع ۱۲۰ درگیری نظامی بین سالهای ۱۹۷۷ - ۱۹۴۵، ۱۱۵ مورد درجهان سوم صورت گرفت که دو سوم آنها نیز جنگهای داخلی ای بود که غالباً ریشه در سیاستهای استعماری گذشته داشتند و یا از منافع متضاد اردوگاههای شقاق و غرب سرچشمه می گرفتند. (KRAJER, 1987: 131)

حقیقت این است که صلح رانمی توان بر اساس بنیادهای غیر عادلانه استوار کرد و به گفته «برانت لند» باید پذیرفت که دست کم در دوران جدید «توسعه به معنای صلح است». (برانت ۱۳۷۰: ۱۴۰، ۳۲۲)

در پرتو ظهور مفاهیم جدید، همانگونه که خانم «برانت لند» مطرح کرده است، ما باید تصور سنتی خود از امنیت را با یک مفهوم نوین جهانی مبتنی بر توسعه پایدار جایگزین کنیم، مفهومی که طی آن با توسعه نیافتگی، توزیع نابرابر ثروت، آسیبهای زیست محیطی و نابودی منابع مبارزه می شود.

تصور می شود توسعه پایدار، به دلیل دامنه وسیع مباحث، جامعیت مفاهیم و بخصوص به دلیل پرهیز از گرفتار شدن در تحلیلهای یکسویه و پذیرش نقش آفرینی عوامل دخیل و تاثیر متقابل آنها بر یکدیگر، در عرصه امنیت نیز به صورت روزافزونی در حال تبدیل شدن به «استراتژی امنیت جهانی» است. این باوری است که با اقبال و تایید روز افزون نظریه پردازان و پژوهشگران موجهی در جهان روبه رو شده است و به نظر می رسد در آینده به راهبرد امنیتی غالب در عرصه گیتی

تبدیل شود.

مشارکت

حضور آگاهانه مردم در صحنه سیاسی به ویژه در سالهای اخیر، به عنوان یکی از شاخصه های اصلی توسعه پایدار مورد تأکید قرار گرفته است. در جوامع دموکراتیک، سیاست عمومی علی القاعده پاسخی به درخواست مردم است و در این شرایط است که هوشیاری عمومی و درک ضرورتها و لوازم پایداری روند قانونمند و با ثباتی به خود می گیرد.

یونسکو طی گزارشی برای قرن بیست و یکم، توسعه پایدار مستلزم «گذار از عضویت فردگرایانه در جامعه به مشارکت دموکراتیک مردم در صحنه» تلقی کرده است (UNESCO, 1996:13). بر این اساس، توسعه پایدار، بدون برخورداری از کارکردهای درجهت تعمیق مشارکت دموکراتیک دست یافتنی نخواهد بود.

«جان برومن» در کتاب توسعه مردمی معضلات زیست محیطی جهان و به ویژه جهان سوم را در بحران مربوط به «مشارکت سیاسی» را مردم جستجو می کند. او بر این اعتقاد است که بحران نخست بدون توجه به بحران دوم راه حلی نخواهد داشت. او، با این مقدمه، نتیجه می گیرد، «پایداری و بسط آن علی القاعده اصولاً سیاسی است» (BROHMAN, 1996:313,20).

شایان توجه آنکه در مناظره توسعه پایدار به تدریج بر اهمیت و منزلت سیاست که از آغاز در پروژه توسعه عنصری فرعی و تبعی تلقی شده بود، افزوده شد. تا اینکه در پرتو این تحلیلها به یکی از ارکان مناظره تبدیل شد.

برومن، با تأکید بر نقش افسار مختلف در عرصه توسعه پایدار، به ویژه بر تعیین کنندگی مشارکت افراد بومی در این عرصه اصرار دارد. به گونه ای که در کتاب خود می نویسد: «بدون حضور بومیان توسعه پایدار احتمال موفقیت خود را از دست خواهد داد».

«آمار تیاسن» پژوهشگر برجسته هندی الاصل و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۸ به ویژه به صورتی پرشور از این نگرش دفاع می کند. او معتقد است که «اقتصاد خوب بدون دموکراسی واقعی امکان پذیر نیست». (سن ۱۹۹۸: ۵). «سن» بخصوص نظریه

می کنند، دارای احزاب مخالف و انتقادکننده از دولت هستند و یا روزنامه هایی در آن فعالند که آزادانه به کار تحقیقات می پردازند و همچنین قادرند خردمندانه بودن و نبودن راهبردهای دولت را به زیر سوال ببرند، بی آنکه با خطر سانسور کلی مواجه شوند، دیده نشده است».

«سن» بر این باور است که «به لطف یک اراده سیاسی محکم» جلوگیری از قحطی کاملاً امکان پذیر است. وقتی از «سن» سوال می شود با این اوصاف چرا میلیونها تن از مردم همچنان از گرسنگی می میرند؟ او می گوید «جواب این پرسش ساده است، زیرا دولتها دموکراتیک نیستند».

به هر صورت «آمار تیاسن» نظریه پردازی است که در سالهای اخیر پژوهشهای علمی اش با استقبال وسیع اندیشمندان جهان مواجه شده است. او در مطالعات گسترده خود، در کشورهای مختلف هرچند غالباً رابطه فقر و مردم سالاری را مورد بررسی و مذاکره قرار داده است، لیکن اصولاً نبود دموکراسی و مشارکت آگاهانه مردم را علت اصلی بسیاری از نابسامانیهای کشورهای تلقی می کند. مثلاً افزایش قتل نوزادان دختر در چین را واکنشی به سیاستهای اجباری تک فرزندی تلقی می کند و می نویسد: «این فجایع ناشی از بسته بودن جامعه ای است که در آن کاهش زاد و ولد بدون هیچ بحث آزاد متمدنانه ای درباره نیازهای شخصی و اقتصادی به دست می آید». (سن ۱۹۹۸: ۵۶)

اندیشه و آرای اندیشمندانی چون «سن» عرصه های نوینی را فراهم توسعه درجهت جهان آینده گشوده و از این رو بازتابهای گسترده ای به دنبال داشته است.

یونسکو، به اعتبار مأموریت جهانی خود در زمینه گسترش فرهنگ به استناد کمیت و کیفیت انتشارات خود در این عرصه به صورت موثر و با تحرک در این مناظره وارد شده است و به اشکال مختلف حیاتی بودن عنصر مشارکت سیاسی و نقش آفرینی مردم در سرنوشت خود دموکراسی را مورد توجه قرار داده است.

در این گزارشها، از هوشیاری عمومی و تفاهم به عنوان مهمترین ضرورت در مسیر نیل به توسعه پایدار یاد می شود و عمل آگاهانه مردم در جوامع مختلف و حضور فعال آنها در این عرصه به صورت اصولی منوط به

توسعه پایدار عرصه نوینی است که همزمان سیاست و فرهنگ و هم اقتصاد و تجارت را مورد توجه قرار می دهد.

متداولی که کمبود غذا را مهمترین عامل قحطی می داند، زیر سوال برده است و بر اساس مطالعات جامع خود در مناطق مختلف جهان قاطعانه معتقد است که «بلاهایی نظیر قحطی، به کمبود غذا ربطی ندارد، بلکه برآمده از سوءمدیریت حاکمان کشورها است».

(نصیرپور ۱۹۹۸: ۳۷)

«سن» در اکتبر ۱۹۹۸ طی مقاله ای در روزنامه لوموند نوشت، «تعهد عملی به تامین آزادیهای مختلف و حقوق اساسی جوامع در جلوگیری از فجایع اقتصادی چون گرسنگی بسیار موثر است». و در واقع «یکی از مشخصات برجسته در تاریخچه دردناک قحطی در این نکته نهفته است که در هیچ کشوری با دولتی از نوع دموکراتیک و مطبوعات آزاد هرگز گرسنگی به وجود نیامده است. قحطی ها، همواره در پادشاهی های گذشته، جوامع اقتدارگرای امروز، جوامع قبیله ای ابتدایی، دیکتاتوریهای تکنوکرات امروزی اداره شده تحت امر امپریالیست های شمالی و نیز در کشورهای تازه به استقلال رسیده جنوب که با حکام خودکامه و یا دولتهای تک حزبی و فاقد تساهل ظهور کرده اند، گرسنگی هرگز در کشورهای مستقل که انتخابات منظم برگزار

بهره مندی جوامع از دموکراسی عنوان می شود. باتوجه به این مفروضات، نتیجه گرفته می شود که «هرگونه پیشرفت در این زمینه مستلزم مشارکت فعال، بسیج عمومی و ارتقای سطح آگاهیهای مردمی است».

یونسکو به ویژه، در مسیر تحرک بخشیدن به حضور آگاهانه مردم در صحنه ها، بر نقش کارساز عامل ارتباطات تاکید دارد و برای آنکه مردم سرنوشت شان را در دستهای خود گیرند، اتخاذ راهبرد ارتباطی مشخص را ضروری و غیر قابل اجتناب تلقی می کند. (UNESCO, 1997:17/18123)

حضور و مشارکت قانونمند مردم در صحنه های اجتماعی و سیاسی کشورها، هر روز بیش از پیش مورد توجه قرار می گیرد و جدا از همه مسائل دیگری که دموکراسی را به عنوان ضرورتی غیر قابل انکار در دنیای کنونی مورد تاکید قرار می دهد، اصولاً در چشم انداز آینده و درجهانی که در پیش است، فکر توسعه ای بدون دموکراسی معقول و ممکن نخواهد بود.

گفتنی است که برخی از اندیشمندان نظیر «کارمن» به ویژه در سالهای اخیر، با نقد تجارب ناموفق حدود نیم قرن تلاش برای رسیدن به توسعه در جهان سوم به این نتیجه رسیده اند که «پروژه توسعه شکست خورده است، زیرا بیرون از مشارکت مردم، نگاه داشته شده بود» حال آنکه این پروژه به نام آنان آغاز شد و قرار بود برای مردم رفاه و آزادی به ارمغان آورد. می توان با گزارش همسایگی جهانی ما هم داستان شد که «قدرت جمعی مردم برای شکل دادن به آینده اکنون پیش از هر زمان دیگر ضروری و کارساز است. به تحرک در آوردن این قدرت برای ایجاد زندگی امن تر، دموکراتیک تر و پایدارتر در قرن بیست و یکم مهمترین چالش فراراه این نسل است.

عاملان توسعه پایدار

توسعه پایدار که به دلیل جامعیت مباحث و اقبال گسترده در آخرین سالهای قرن بیستم به بالنده ترین مناظره جهانی تبدیل شد. بر مبنای بسیاری از تحلیلهای نظریه ها چالش محوری قرن بیست و یکم خواهد بود.

در این چالش نوین، انسان مرکز توجه قرار گرفته است و هر آنچه حیات، بقا و آزادی او را مورد تهدید قرار دهد، مورد شناخته شده است. در دوران جدید، در پرتو قدرت رسانه ها

و گسترده گی شبکه های ارتباطی، به رغم دستکاریهای متنوع خبری و با افزایش و تنوع دسترسی ها به اطلاعات، بعد مسافت و فاصله بین ملتها کوتاهتر شده است. بدیهی است جهانی که تا این حد «کوچک» شده است، تبعیضهایی تا این حد گسترده را بر نمی تابد.

ورود عصر جدید، بدون نگاهی انسانی تر، متوازن تر و بخصوص بدون اتکا به اصول پایداری نه فقط در کلام که در عمل نیز میسر نخواهد بود. تحقق این آرمانها، علاوه بر اراده های قاطع و آگاهانه، «عاملانی» را طلب می کرد تا از رهگذر تلاش آنها این اهداف جامه عمل بپوشند.

بدون آگاهی ملتها و آحاد مردم دستیابی به این آرمان متصور نبود، لذا از آغاز بخش قابل ملاحظه ای از تلاش در این مسیر جهت داده شد. مسئله زمینه سازی برای تحرک زن و مرد، جوان و پیر و حتی کودکان در سراسر جهان بود و داعیه اینکه بدون این آگاهیها توسعه پایدار نیز راه به جایی نخواهد برد.

بر بنیان این برنامه ها، دولتها، سازمانهای بین المللی و نهادهای بین الدولی مسئولیتهای گسترده ای بر عهده گرفتند، اما آنچه در این عرصه جدید جاذبه ای فوق العاده یافته بود، «سازمانهای غیر دولتی» بود که برآمده از ضرورتهای عصر جدید بود و در این فضای متحول، با در آمیختن با اهداف چالش نوین، ظرفیتهای وسیعی برای پایداری خلق کرد.

دولتها
در مسیر دستیابی به شرایط پایداری و به ویژه در دوران گذار، وظایف گسترده ای بر عهده دولتها گذاشته شد. آنها موظف شدند تا مؤلفه های توسعه پایدار را در تمامی سطوح برنامه ها و سیاست گذاریها رعایت کنند.

دولتها، بخصوص در کشورهای جهان سوم، قادرند در عرصه پایداری، نقشی پیشتاز بر عهده گیرند. این دولتها هستند که قادرند قانونمندیهای همسو با جریان توسعه پایدار، تحرک اجتماعی را در سطوح مختلف جوامع نظام می بخشند. دولتها همچنین قادرند به صورت مستقیم و غیر مستقیم، با ایجاد شرایط مطلوب به تحرک بخش خصوصی در این عرصه کمک کنند.

«الکساندر گرشنکرون» که مطالعات وسیعی درباره صنعتی شدن کشورهای اروپایی

در قرن نوزدهم انجام داده نقش گسترده و همه جانبه دولتها را در این دوران به صورت مستدل و مستند شرح داده است. او به خصوص تاکید می کند، «هرچه عقب ماندگی نسبی اقتصادی یک کشور بیشتر بوده است، تلاشهای توسعه تمرکز بیشتری داشته است». گرشنکرون بر این مسئله تاکید دارد، گرچه عامل توسعه در انقلاب صنعتی انگلستان بخش خصوصی بود، لیکن در سایر کشورهای صنعتی شده، مسئله به گونه ای متفاوت رخ داد. مثلاً در آلمان، بانکهای سرمایه گذاری و در روسیه دولت تزاری این مسئولیت را بر عهده داشتند. (ORIFFIN, 1989. JOI)

در روند دستیابی به توسعه ای مبتنی بر پایداری در جهان سوم ضرورتاً حضور فعال دولتهای ملی، مشروط به رعایت مؤلفه های توسعه پایدار، نظیر مشارکت سیاسی و آزادی مردم در کشورهای مربوط باید مورد تاکید قرار گیرد.

بدون تحرک و حمایت دولتها به عنوان مهمترین عامل توسعه پایدار نمی توان توسعه ای ملی، درون زا، متوازن و پایدار در جوامع جهان سوم تضمین کرد.

سازمانهای بین المللی

سازمانهای بین المللی به ویژه پس از جنگ جهانی دوم به دلیل شرایط متحول جهان مورد توجه بسیار قرار گرفتند. همه کشورها با نظامهای متفاوت پذیرفته بودند که جلوگیری از ایجاد جنگهای جدید در گرو همکاریهای بین المللی است. به این ترتیب، سازمانهای بین المللی متعدد و متنوعی، با اهداف و وظایف مشخص، در عرصه های مختلف جهان شکل گرفتند و در این میان سازمان ملل متحد نقشی محوری داشت.

سازمان ملل متحد که در طول دهه های گذشته از طریق نهادهای وابسته، به ویژه «برنامه توسعه سازمان ملل» (UNDP) رشد اقتصادی و توسعه را در کشورهای جهان سوم دنبال کرده بود، در زمینه تکوین اندیشه های جدید نیز با حضور و تحرک کارشناسان جهانی نقشی اساسی یافت.

برگزاری «اجلاس کره زمین» از سوی سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ در «ریورزیل» نقطه عطفی در زمین بود. مجمع عمومی سازمان ملل، در سال ۱۹۹۲ طی قطعنامه ای خواستار

پیگیری و نظارت سسازمان یافته بر اجرای مصوبات اجلاس ریو شد و به این منظور تشکیل «هیئت مشاوره عالی رتبه توسعه پایدار» را تصویب کرد. براین اساس این مصوبه مرکز این نهاد جدید شهر نیویورک در نظر گرفته شد. (UN, 1992: 678)

فدریکو مایور، دبیرکل وقت یونسکو، در اوایل سال ۱۹۹۳ دو کمیسیون بین المللی تشکیل داد:

۱- «کمیسیون بین المللی در زمینه تعلیم و تربیت برای قرن ۲۱» به ریاست ژاک دلور (رئیس کمیسیون سابق اروپا).

۲- «کمیسیون جهانی در زمینه فرهنگ و توسعه» به ریاست خاویر پرزدکونیار (دبیرکل سابق سازمان ملل). «مایور» تشکیل این کمیسیونها را رسماً در «سمپوزیوم نقش سازمان ملل در قرن بیست و یکم» در سخنرانی خود تحت عنوان «ظرفیت سازی برای توسعه پایدار» که در فوریه ۱۹۹۳ در توکیو برگزار شد اعلام کرد. (MAYOR 1993: 3)

یونسکو، گذشته از کمیسیونهای یادشده، به اقدامات خود در زمینه مطالعه برای تامین آب شیرین اقیانوس شناسی و از قبیل در پرتو چشم انداز نو تحرک دوباره بخشید.

علاوه بر یونسکو، سایر نهادها بین المللی وابسته به سازمان ملل نیز در زمینه مأموریت خود وظیفه یافتند تا بر پایه مفروضات توسعه پایدار، تحرک دوباره ای را در چارچوب وظایف و مأموریت خود ایجاد کنند.

آنچه اهمیت دارد تنوع و فراوانی پژوهشها و بررسیهای پیرامون توسعه پایدار است. سازمانهای بین المللی، هر یک به فراخور، مسئله را از زاویه هایی مورد مطالعه و تحلیل قرار داده اند. سازمانهای بین المللی، به عنوان یکی از مهمترین عاملان در این گستره، به صورت خاص مورد تاکید قرار گرفته اند. نهادها و سازمانهای بین المللی با چشم اندازی به دنیای آینده که در پرتو روند جهانی شدن نقش آنها تعیین کنندگی بیشتری خواهد داشت، در عرصه ظرفیت سازی برای جانش نوین تحرک دوباره ای را برنامه ریزی کرده اند.

سازمانهای غیردولتی

تحرک سازمانهای غیردولتی در سطوح محلی، ملی و بین المللی از ویژگیهای دوران جدید است. این تشکلهای داوطلبانه مردمی که

با تنوع در شکل، سطح، تخصص و از این قبیل به صورت مستقل فعالیت می کنند، به عنوان پاسخی مسئولانه از طرف مردم با مشارکت در عرصه های حیات اجتماعی، به تحرک در زمینه های مختلف دامن می زنند.

سازمانهای غیردولتی، در شکل دهی و تحقق دموکراسی مشارکتی، نقشی حیاتی بر عهده دارند. این سازمانها، به جهت آزاد بودن از قیدوبندهای فعالیتهای رسمی زمینه های بسیار مساعدی برای مشارکت در مناظره توسعه پایدار یافته اند. این سازمانهای مردمی که در همه سطوح بین المللی، ملی و محلی فعالیت می کنند، قادرند در شبکه ای گسترده ارتباط وسیع و متنوع خود را سامان دهند.

هرکسی در هر سطحی در جهان ناگزیر از اتخاذ تصمیم هایی است و لذا همزمان، هم از اطلاعات استفاده می کند و هم به تولید اطلاعات می پردازد. در سطح کشورها برای آنکه تصمیم سازان و عامه مردم بتوانند تصمیم های مناسب اتخاذ کنند، ضرورتاً باید به اطلاعات دقیق و سریع دسترسی داشته باشند، درحالی که در بسیاری از کشورها عملاً داده های مورد نیاز برای تصمیم گیری در اختیار نیست.

در پاسخ به همین نیاز حیاتی که یونسکو و بسیاری از نهادهای فرهنگی دیگر در جهان همت خود را متوجه بسط و گسترش «جامعه اطلاعاتی» کرده اند.

ارتباط مستقیم و بدون واسطه «گروههای شهروندی داوطلب» با مردم در جوامع مختلف یکی از ویژگیهایی است که در اعتلای سطح آگاهیهای مردم نقش ممتازی بر عهده داشته است. سازمانهای غیردولتی اینک به واقعیتی غیرقابل انکار تبدیل شده اند و از این جهت روز به روز بر دامنه تنوع و گستردگی آنها افزوده می شود. برای مثال در «اجلاس کره زمین» در برزیل در سال ۱۹۹۲ علاوه بر حضور نمایندگان رسمی ۱۷۶ کشور جهان شاهد مشارکت بیش از ۱۵۰۰ سازمان غیردولتی هستیم و این روند با شتابی به مراتب بیشتر در گردهمایی دیگر جهانی در واپسین سالهای قرن بیستم تکرار شده است.

سازمانهای غیردولتی به جهت توانمندی بالقوه و بالفعل خود و نیز به دلیل پویایی و وسعت و گوناگونی مباحث و مسائل مطرح در توسعه پایدار در این زمینه مناظره اعتبار و

منزلت ممتازی یافته اند. به نظر می رسد عرصه پویای توسعه پایدار، به دلیل ابتکارات و امکانات گسترده ای که این گروهها و سازمانها، خلق کرده اند، به ظرفیتهای جدیدی دست یافته است. این سازمانها به خصوص به مدد این امکانات توانسته اند با خارج شدن از انحصار دولتها و حتی نهادهای بین المللی و بین الدولی تداوم حیات خود را به صورت مستقل در واپسین سالهای هزاره دوم تثبیت و در نتیجه کارآمدی خود را در طلیع هزاره سوم تضمین کنند. □

منابع:

- ۱- آرون ریمون. ۱۳۶۹، سالهای پایانی قرن، ترجمه اسدالله مبشری، تهران نشر سفیر.
- ۲- بدیع، پل، ۱۳۵۹، اقتصاد سیاسی رشد، ترجمه کاوه، آزادمنش، تهران: نشر قومس.
- ۳- ساعی، احمد، ۱۳۷۴، درآمدی بر شناخت مسائل اقتصادی و سیاسی جهان سوم، تهران: نشر قومس.
- ۴- سریع القلم، محمود، ۱۳۷۱، توسعه جهان سوم و نظام بین الملل، تهران نشر سفیر.
- ۵- گن زیر، آیرن ۱۳۶۹، کارگردانی و دگرگونی سیاسی در جهان سوم، ترجمه احمد تدین، تهران نشر سفیر.
- ۶- میکسل، ریمونداف ۱۳۷۶، توسعه اقتصادی و محیط زیست، مقایسه بین اقتصاد توسعه سنتی و توسعه پایدار، ترجمه حمیدرضا ارباب، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- ۷- نصیبری حسین، ۱۳۷۷، «توسعه پایدار: چشم انداز» اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره های ۱۲۸-۱۲۷

8 - ARNOLD, STEVEN H. 1993. "SUSTAINABLE: A SOLUTION TO THE DEVELOPMENT PUZZLE?" DEVELOPMENT JOURNAL OF SID VOL. 2, NO. 3.

9 - BRONMAN, JOHN. 1996. POPULAR DEVELOPMENT. LONDON: BLACK WEL PUBLISHERS. BRUNDTLAND, HARLEM QRO. 1993. "SUSTAINABLE DEVELOPMENT AN OVERVIEW". DEVELOPMENT JOURNAL OF SID, VOL. 2. NO. 3.

10 - CARMEN, RAFF. 1996. AUTONOMOUS DEVELOPMENT, LONDON AND NEW JERSEY: ZED BOOKS.

11 - MAYOR, F. 1993. CAPACITY - BUILDING FOR SUSTAINABLE DEVELOPMENT. TOKYO: U N UNIVERSITY.

12 - UNESCO. 1997. EDUCATION FOR A SUSTAINABLE FUTURE. THESSALONIKI: UNESCO / THE GOVERNMENT OF GREECE.

• حسینعلی بهرامزاده: عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه



نظام جامع اطلاعات مالی و مدیریت با رویکرد MIS

- ✓ سیستم فروش
- ✓ مسابرداری صنعتی (قیمت تمام شده)
- ✓ برنامه ریزی تولید و فرمولاسیون محصول (BOM)

- ✓ مسابرداری مالی
- ✓ خزانه داری (کنترل وجوه نقد)
- ✓ مسابرداری انبار (تعدادی - ریالی)
- ✓ حقوق دستمزد و اطلاعات پرسنلی
- ✓ دارائیهای ثابت و ماشین آلات

شرکت فراه پیام

مهندسی نرم افزار

پروژه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

✓ خدمات پشتیبانی و آموزش رایگان جامع علوم انسانی

✓ تک کاربره و چندکاربره تمت (Windows 2000, XP, Advanced Server 2000)

✓ پویایی و توسعه ماهانه سیستم ها (نسخه جدید)

✓ طراحی و پیاده سازی انواع شبکه

✓ ارائه خدمات مالی و مشاوره مدیریت

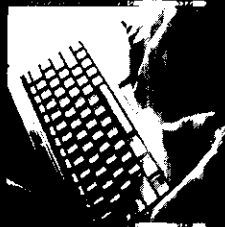
خانان شهید بهشتی، بعد از میر عماد، روبروی نمک ترین پاکستان

ساحتمان ۰۳۲۰، طبقه سوم، واحد ۷

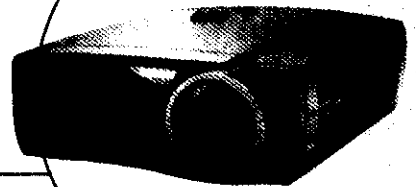
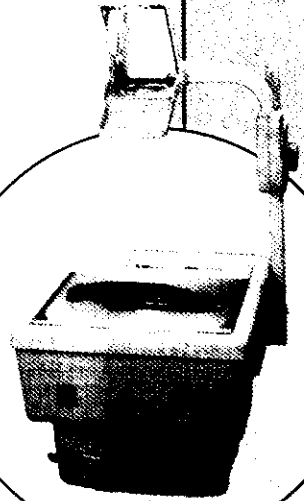
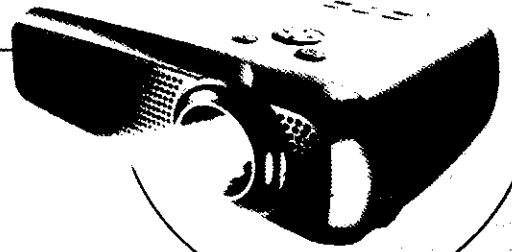
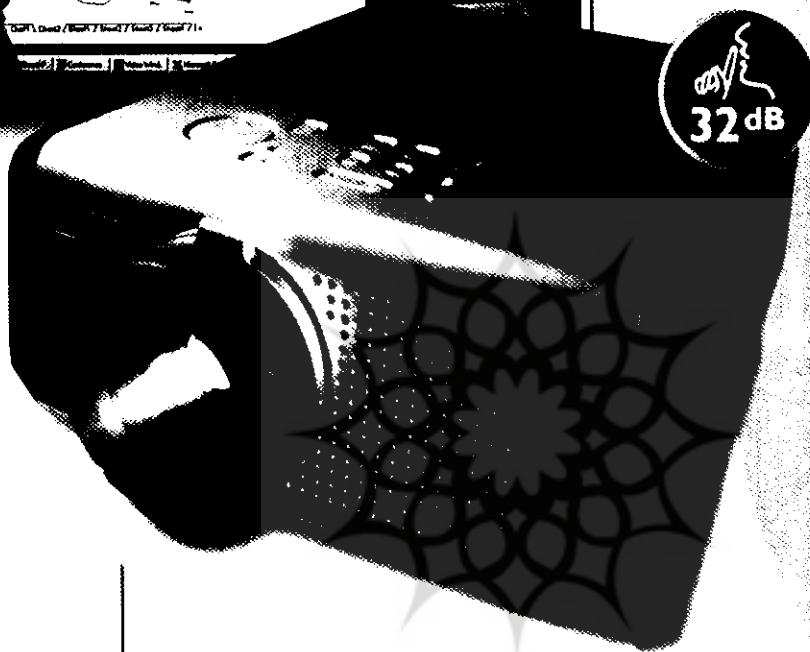
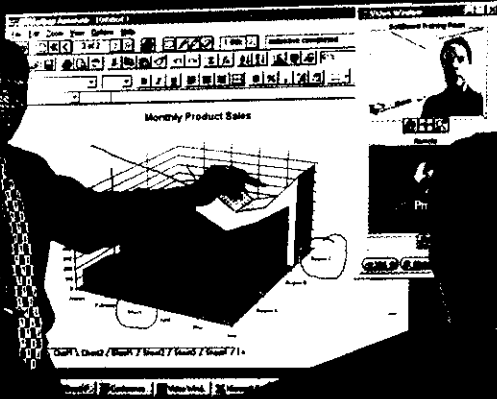
تلفن: ۸۷۶۶۸۷۹ - ۸۷۶۶۹۱۸ - ۸۷۶۶۹۱۴

URL: WWW.FaraPayam.com

E-Mail: info@farapayam.com

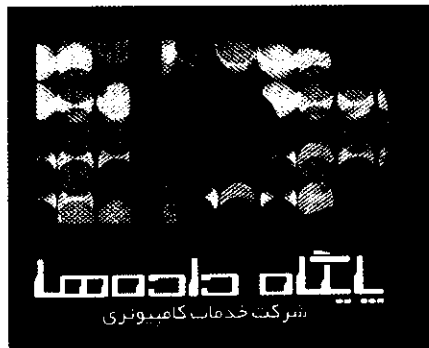


Presentation Products



وسایل کمک آموزشی و ارائه مطالب در سمینارها و کلاسهای درس که شامل: انواع پرده - پروژکتور های اسلاید - اورهد-ویدیو-دیپتا- اوپک-ویژولایزر-انواع وایت بردهای دیجیتال و...

Option 8774784



خیابان سلیمان خاطر (امیر اتابک) شماره ۳۷

طبقه سوم - شماره ۱۵

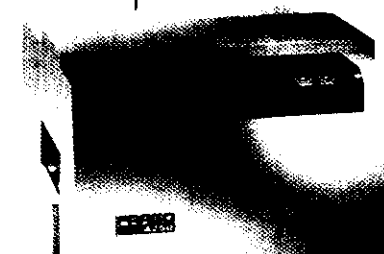
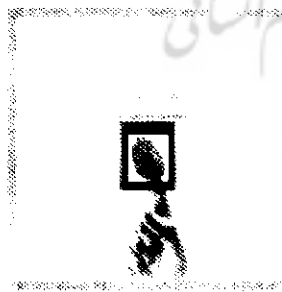
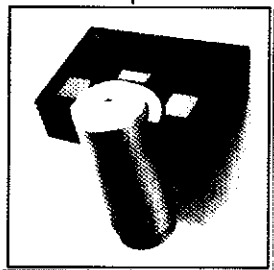
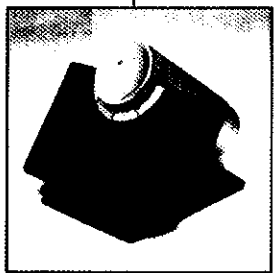
مستدوق پستی ۳۷۶۷ - ۱۵۸۷۵ : تهران ۱۵۷۹۶

تلفن: ۸۸۳۶۶۸۰ (خط ۸)

فکس: ۸۸۲۴۴۸۷

پست الکترونیک: dbs@kanoon.net

IDENTIFICATION SYSTEMS

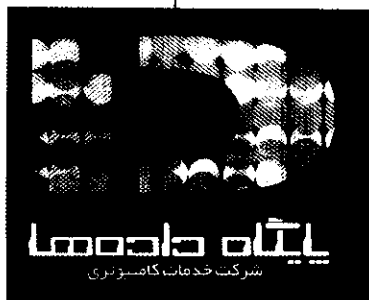


سیستم های تشخیص هویت

سیستم های تشخیص هویت شامل: طراحی و چاپ کارت PVC دیجیتال - دستگاههای Reader/Encoder کارت های بارکد مغناطیسی - Smart دستگاههای کنترل ورود و خروج از انواع کارتی و Biometrics سیستمهای کنترل اتوماتیک ومانیتورینگ اماکن اداری و صنعتی - نظامی و غیره توسط دوربینهای CCD مدار بسته و تجهیزات آرشيو دیجیتال و...

خیابان سلیمان خاطر (امیر اتابک) شماره ۳۷
 طبقه سوم - شماره ۱
 صندوق پستی ۳۷۶۷ - ۱۵۸۷۵ - تهران ۱۵۷۹۶
 تلفن: ۸۸۳۶۶۸۰ (خط ۸)
 فکس: ۸۸۲۴۴۸۷
 پست الکترونیک: dbs@kanoon.net

Option 8774784



INMIO



ارایه خدمات ممیزی و ثبت سیستمهای مدیریت
ارایه خدمات کواهی محصول و CE-Marking
آموزش استانداردهای بین المللی



تلفن: ۸۸۸۱۳۹۶ - ۸۸۸۱۳۹۵ - ۸۷۸۰۲۶۳ تلفنکس: ۸۷۸۷۸۴۵

آدرس: تهران، بلوار آفریقا، جنب پارک خشیار، خیابان والی نژاد، برج افرا، طبقه ۹، واحد ۹۵۶